

ORIGINAL ARTICLE

حقوق پزشکی زنان در ایران باستان

Women's Medical Rights in Ancient Persia

Hassan Yarmohammadi^{1,2}, Arman Zargaran², Azade Vatanpour³, Mohamad Hosein Bahmani Kazerooni^{1,2}, Behnam Dalfardi^{1,2}

1- Research Office for the History of Persian Medicine, School of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2- Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3- M.A. Ancient Iranian culture and languages, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Behnam Dalfardi, MD; Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
dalfardibeh@gmail.com

Abstract

Nowadays and throughout the history, medical rights and ethics were among the most important subjects in relation with the field of medicine. Women's medical rights including issues about sickness, sex, abortion and so on are among main branches of medical ethics. It should be stated that this matter was not investigated sufficiently about ancient Persia (since the beginning of historical period to 638 AD) up to this time. Therefore women's medical rights were studied in this research using remained ancient Iranian and non-Iranian manuscripts and also recent works conducted on this topic. Finally, the results of our survey on women's medical rights were presented, as follows:

- 1- Women's situation in ancient Persian society and their beliefs about this
- 2- Medical laws about pregnancy and pregnant women
- 3- Sexual issues
- 4- Women's sickness and their rights and laws related to this issue.

Although, some laws were strict and unacceptable as good ones, ancient Persian society had notable laws about women and their rights compared with contemporaries.

Key words: Medical rights, Women, Ancient Persia

Received: 29 Jan 2013; Accepted: 4 June 2013; Online published: 8 Nov 2013

Research on History of Medicine/ 2013 Nov; 2(4): 153-164.

حسن یار محمدی^{۲،۱}
آرمان زرگران^۱
آزاده وطن پور^۳
محمد حسین بهمنی کازرونی^{۲،۱}
بهنام دلفاردی^{۲،۱}

۱- دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- کارشناس ارشد رشته فرهنگ و زبان های باستانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: بهنام دلفاردی، پزشک عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
dalfardibeh@gmail.com



- 1- Durant, 1999 (vol. 1): 156-158.
- 2- King, 2004: 37.
- 3- Durant, 1999 (vol. 1): 156-158.
- 4- Durant, 1999 (vol. 1): 320.

خلاصه مقاله

حقوق و اخلاق پزشکی از جمله ی مهم ترین مفاهیم علم پزشکی در طول تاریخ و نیز زمان حال محسوب می شوند. یکی از شاخه های مهم اخلاق پزشکی، موضوع حقوق پزشکی زنان در زمینه هایی از قبیل بیماری های ایشان، مشکلات جنسی، سقط و ... است.

تا کنون این موضوع در بررسی های مربوط به ایران باستان (از آغاز دوره ی تاریخی تا سال ۶۳۸ میلادی) چندان مورد توجه واقع نشده است. در این مطالعه، حقوق پزشکی زنان با در نظر گرفتن نوشته های ایران باستان و دیگر تمدن های کهن و همچنین پژوهش های اخیر بررسی می شوند. در نهایت، حقوق و قوانین پزشکی مرتبط با زنان در قالب این موضوعات ارائه خواهد شد:

۱- جایگاه زنان در جامعه ی ایران باستان و اعتقادات آن ها در این مورد

۲- قوانین پزشکی پیرامون بارداری و زنان باردار

۳- مشکلات و مسائل جنسی

۴- بیماری زنان، حقوق ایشان و قوانین مرتبط با آن

اگرچه برخی از قوانین موجود در ایران باستان در این زمینه سخت گیرانه بوده و چندان قابل قبول به نظر نمی رسند، اما باید توجه کرد این تمدن در مقایسه با دیگر تمدن ها و ملل هم عصر خود دارای قوانین مهم و بزرگی در حیطه ی حقوق پزشکی زنان بوده است.

واژگان کلیدی: حقوق پزشکی، زنان، ایران باستان

مقدمه

در طول تاریخ، موضوع حقوق و اخلاق پزشکی (به ویژه در مورد زنان) از جمله دغدغه های مهم بشری بوده است. بررسی شواهد به جای مانده از دوران باستان حاکی از میزان متفاوت توجه به مسئله ی اخلاق و حقوق پزشکی در تمدن های مختلف تاریخی است. در این مقاله سعی بر آن است تا در ابتدا جایگاه زن و حقوق وی در تمدن های گوناگون تاریخی شامل سومر، بابل، آشور و ... را بررسی نموده و سپس به شرح جایگاه زن در ایران باستان و بررسی حقوق پزشکی زنان در این تمدن پردازیم.

در تمدن سومر در مورد جایگاه زن، ازدواج و مسائل جنسی مرتبط با وی، قوانین خاصی وضع شده بود. به عنوان مثال، زن در مورد جهیزیه و اموال شخصی خود اختیار کامل داشت و می توانست آزادانه به به تجارت پردازد. با این وجود براساس قوانین این تمدن، بعضاً "مرد حق داشت زن خود را بفروشد، در برابر وامی که دارد او را به طلبکار خود بدهد و حتی در مواردی مانند نازایی زن، می توانست وی را رها کند. در این تمدن برای زنانی که اقدام به سقط جنین می کردند مجازات مرگ به صورت غرق شدن در آب در نظر گرفته می شد.^۱

در تمدن بابل قوانینی پیرامون روابط زن و مرد وضع شده بود. به عنوان مثال، زن و مرد قبل از ازدواج، آزادی کامل در روابط جنسی داشته و آیین میلیت یا همان فحشای مقدس در جامعه رواج داشت. این در حالی است که اثبات اقدام به زنا توسط زن بعد از ازدواج، منجر به اعمال مجازات اعدام نسبت به او می گردید. در این تمدن، در مورد حقوق پزشکی زنان نیز قوانینی وضع شده بود. برای نمونه می توان به قوانین کیفری مرتبط با آسیب زدن به زن باردار و یا جنین او اشاره کرد. بنابراین قوانین، در صورتی که آسیب وارده به زن باردار تنها منجر به سقط جنین می شد، فرد خاطی تنها به پرداخت جریمه نقدی محکوم می گردید، اما اگر آن آسیب سبب مرگ مادر می شد جان دختر فرد مسبب آسیب گرفته می شد.^{۲,۳}

بررسی متون و شواهد به جای مانده از تمدن آشور بیانگر پایین تر بودن منزلت زن در این تمدن در قیاس با تمدن بابل است. برای نمونه، مرد می توانست به دلایل گوناگون زن خود را به سختی مجازات نماید. زناشویی در این تمدن صورت خرید داشته و زن بیشتر زمان خود را در خانه پدری سپری می کرد و شوهر گاهگاه به دیدن او می رفت.^۴ علاوه بر این، حقوق پزشکی مرتبط با سقط جنین نیز در این تمدن با دیدی جانب گرایانه وضع گردیده بود. در این تمدن پدران حق کشتن نوزادان خود را داشتند اما حکم سنگین به چهار میخ کشیده شدن و نداشتن اجازه دفن، مجازاتی بود که زن باردار در صورت سقط جنین



متحمل آن می شدند.⁵

بررسی متون و شواهد به جای مانده از مصر باستان حاکی از جایگاه والای زن در این تمدن در مقایسه با دیگر تمدن های هم عصر خود است، تا حدی که ماکس مولر در این خصوص می گوید: «هیچ ملت کهنه و نوبی نیست که در آن مقام و منزلت زن به پایه ی مقام و منزلت زنان وادی نیل رسیده باشد.» در این تمدن زنان حق مالکیت داشته و می توانستند با آزادی کامل در اجتماع حاضر گردند و به داد و ستد پردازند. در آن زمان، در مواردی شاهد ورود زنان به سیستم حکومتی هستیم. حکومت افرادی چون خشپسوت و کلئوپاترا گواهی بر این مدعاست. مطابق با قوانین مصر باستان، در صورت اثبات جرم زناکاری زن شوهر می توانست بدون دادن هیچ حقی، او را از خانه خود بیرون کند. اما اگر در حالتی غیر از این طلاق صورت می گرفت، مرد می بایست قسمت بزرگی از املاک خانواده را به وی واگذار.⁶ سقط جنین در مصر باستان، موضوعی قانونی و اخلاقی در نظر گرفته شده و این کار عمدتاً⁷ توسط پزشکان صورت می گرفت.⁷ بررسی منابع مرتبط با تمدن های باستانی شرق نیز از وضع قوانینی در خور توجه پیرامون جایگاه زن توسط آنان حکایت می کند. در این جامعه، شوهر می توانست زن را به هر بهانه ای - از قبیل نازایی یا پرگویی - طلاق دهد. زن حق درخواست طلاق نداشته و تنها می توانست به قهر از شوهر روی آورد و به خانه پدری خود بازگردد. با این حال، این امر بندرت روی می داد. در زمان کنفوسیوس، پدران از قدرتی تقریباً مطلق برخوردار بودند و می توانستند همسران و کودکان خود را به عنوان برده بفروشدند. در این تمدن کودک پسر، علت وجود خانواده بود و در موارد بسیاری در صورت تولد کودک دختر نوزاد را رها می کردند تا در سرمای شب مرده یا طعمه حیوانات وحشی گردد. زنان در بخشی معین از خانه می زیستند و کمتر با مردان محشور می شدند. اگر از همنشینی مردان با زنان روسپی چشم پوشی نماییم، می توان گفت حیات اجتماعی چینیان باستان، مطلقاً^{8,9} حیاتی مردانه بوده است.

شواهد به جای مانده از تمدن های غرب شامل یونان و روم باستان حاکی وجود جایگاهی مشابه با دیگر تمدن های هم عصر و در مواردی پایین تر از آن ها برای زنان است. برای نمونه در یونان باستان زن حق عقد قرارداد نداشته، نمی توانست بیش از مبلغ ناچیزی وام بستاند، اقامه دعوی در محکمه برایش ممکن نبود و شهادت زنان فقط در مورد قتل قابل قبول بود. مطابق قوانین سولون، اعمالی که تحت تاثیر زنان صورت گرفته بود اعتبار قانونی نداشته و زنان پس از مرگ شوهر از ارث او سهمی نمی بردند. در زمان ازدواج، عروس از خویشان خود جدا گشته و تقریباً¹⁰ چون خدمتکاری به خانه دیگری می رفت. زنان فقط در صورتی قادر بودند خویشان و دوستان خود را ملاقات کرده و در جشنهای مذهبی و تماشاخانه ها حضور یابند که کاملاً¹⁰ در حجاب و تحت مراقبت باشند. زنان می بایست در زمان حضور مهمانان شوهر، از ظاهر شدن خودداری نمایند. بیشتر عمر آنان در حرمسرای که در قسمت پشتی خانه ها بود و هیچ مردی حق ورود به آنجا را نداشت، می گذشت. ویل دورانت علت رواج روز افزون همجنس بازی در این تمدن را دوری زنان از جامعه بیان می کند.¹⁰

سقط جنین به صورت یک سیاست رسمی در بسیاری از ایالات یونانی پذیرفته شده بود.¹¹ در این میان می توان به توصیه های افلاطون در مورد سقط جنین در زنان بالای چهل سال¹² و ارسطو که از آن به عنوان روش مطلوب برای جلوگیری از زاد و ولد در خانواده هایی با تعداد فرزند کافی یاد می شد اشاره نمود.¹³

۱- جایگاه زن در ایران باستان

برای بررسی جایگاه زن در این دوره، ابتدا به بررسی دیدگاه مذهب نسبت به زن و تعیین جایگاه ایشان در آن پرداخته و سپس با پژوهش در آثار و شواهد به جای مانده، جایگاه اجتماعی زن بررسی می گردد.

۱-۱- جایگاه زن از دیدگاه متون زرتشتی

در دین زرتشت، زن به عنوان یکی از دو جنس بشر که نقش و جایگاه ویژه در زندگی اجتماعی و خانواده دارد مطرح است.¹⁴ نگاه دین زرتشت به زن را می توان در رفتار پیامبر آن (زرتشت) با دختر کوچکش پروچیستا در مورد اختیار

- 5- Jeffrey, 1999: 16.
- 6- Durant, 1999 (vol. 1): 196-199.
- 7- Carrick, 2001: 75.
- 8- Durant, 1999 (vol. 1): 854-857.
- 9- Hirsch, 2010: 129.
- 10- Durant, 1999 (vol. 2): 312-340.
- 11- Bullogh, 2001: 1.
- 12- Parker, 2005: 421.
- 13- Aristotle, 1959: 623.
- 14- Esmailpour, 2006 (vol. 3): 135.



دادن به وی در مورد انتخاب همسر مشاهده کرد. او به دختران مجرد سفارش می کند که هر کدام بر اساس خرد درست و منش پاک و روشن خویش برای رستگاری تصمیم بگیرند.¹⁵ به نظر می رسد در گاهان که قدیمی ترین بخش اوستا می باشد، جایگاه و ارزش زن و مرد برابر در نظر گرفته شده است. در اوستای کهن نگاه برابری زن و مرد را، حتی در موقع آفرینش فروزه ها (امشاسپندان) نیز شاهد می باشیم، به این ترتیب که از شش امشاسپندی که اهورامزدا آفریده است ۳ امشاسپند با ویژگی های زنانه شامل سپند ارمیتی (سپندارمذ)، هوروات (خرداد)، امره تات (امرداد)¹⁶ و ۳ امشاسپند دیگر با ویژگی های مردانه شامل اشه وهیشت (اردبیهشت)، وهومته (بهمن)، خشتره وهیه (شهریور) می باشند.¹⁷ اما به نظر می رسد این نگاه در متون زرتشتی متاخر مانند بندهش تغییر و جایگاه زن نزول نموده است. در اوستا در مورد سرشت و آفرینش زن و مرد صحبتی به میان نیامده و تنها از کیومرث به عنوان اولین انسان یاد شده است¹⁸، ولی در متون متاخر، هدف از آفرینش زن زاده شدن مردان معرفی شده است.^{19,20}

در مورد نحوه برخورد و رفتار با زنان نیز در آثار به جای مانده از بزرگان زرتشتی توصیه های فراوانی ذکر شده²¹ که در این میان اندرزه های آذرباد مهرسپندان در مورد لزوم رفتار نرم و توأم با احترام با زنان و دختران و لزوم اعتماد کردن به گفته های همسر در مواقعی که تهمت هایی متوجه اوست، تنها بخش کوچکی از آن است.²² همچنین جشن اسپندارمذگان یکی دیگر از نشانه های جایگاه زن نزد ایرانیان باستان است.²³ این جشن که در روز پنجم اسفند هر سال برگزار شده و ابوریحان بیرونی از آن به نام مزدگیران یاد کرده²⁴، روز بزرگداشت زن محسوب می گردید که در آن روز زنان از همسران خود هدیه ای به نشانه قدردانی از زحمت هایشان دریافت کرده، دست از کار می کشیدند و مردان وظایف آنان را انجام می دادند.²⁵ نشانه های یاد شده از جمله شواهد اهمیت زنان مطابق باورها و اسطوره های ایرانیان باستان است.

۱-۲- جایگاه زن در اجتماع ایران باستان بر اساس شواهد به جای مانده از آن دوران

بررسی لوحه های گلی، کتیبه ها و آثار بر جای مانده از دوره هخامنشی در مجموع حاکی از آن است که در این دوره، زنان دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل بوده و زنان نیز مانند مردان امکان انتخاب شغل و حضور در جامعه را داشته اند.²⁶ همچنین حقوق زن و مرد برای انجام کارهای مشابه یکسان و امکان ارتقای شغلی نیز برای زنان فراهم بوده است^{27,28}، به عنوان مثال در لوحه های گلی بدست آمده از تخت جمشید مشاهده می شود که سرپرست کارگاه های تولیدی خزانه تخت جمشید همیشه از میان زنان بوده که بالاترین حقوق را در میان کارکنان این کارگاه ها دریافت نموده و گروهی از زنان و مردان در زیر نظر آنان به کار مشغول بوده اند.²⁹ همچنین مشخص می شود که زنان امکان انتخاب کار نیمه وقت را داشته که این موضوع به علت اهمیت نقش حضور زن در خانواده بوده است.³⁰ آثار به جای مانده از دوره های بعد نیز حاکی از وجود وضعیت مشابه با دوره هخامنشی است، برای نمونه در دوره سلوکیان زنان دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل بوده و در این دوره زنان در انجام و اداره امور مذهبی دخالت داشته اند. نامگذاری تعدادی از شهرهای نو ساخته آن دوران با نام بانوان سلطنتی نیز نشان از جایگاه والای زن در نزد حاکمان آن دوره دارد.³¹

نحوه برخورد شاه با همسر و مادرش نیز می تواند بازتاب نحوه نگاه ایرانیان باستان به جایگاه زن در خانواده باشد. چنانچه هرودوت مورخ شهیر یونانی (۴۲۵-۴۹۰ ق.م) ذکر میکند: "رسم دربار پارسی چنین است که کسی بر سر میز شاه به جز مادر و زنتی غذا نمی خورد و زن پادشاه پایبندتر از او و مادرش بالاتر می نشیند"³² و یا از گفته های دیودور سیسیلی در مورد آداب ایرانیان چنین بر می آید که شاه در حضور مادرش بی اجازه او نمی نشست است.³³

از دیگر مواردی که نشان دهنده جایگاه زن در جامعه می باشد، امکان دستیابی به جایگاه و مناصب بزرگ حکومتی است که این مهم در ایران باستان به عالی ترین شکل ممکن دیده میشود، در آن دوران، برای زنان امکان رسیدن به مقام فرمانروایی نیز میسر بوده، به عنوان نمونه در دوره سلوکیان زنان می توانستند نیابت سلطنت را به عهده گیرند، چنانکه آپامه همسر ایرانی سلوکوس، نخستین

- 15- Dolatkhah, 1992: 85.
- 16- Dolatkhah, 1992: 38.
- 17- Dolatkhah, 1992: 39.
- 18- Dolatkhah, 1992: 1049.
- 19- Dadeqi, 1999: 81.
- 20- Zad Sparm, 2007: 3-5.
- 21- Bahar, 2000: 56.
- 22- Asha, 2000: 97, 114, 157.
- 23- Dolatkhah, 1992: 1002.
- 24- Biruni, 2011: 229.
- 25- Dolatkhah, 1992: 1002.
- 26- Brosius, 2010: 131.
- 27- Brosius, 2010: 133.
- 28- Kokh, 2008: 49, 75, 269.
- 29- Kokh, 2008: 57.
- 30- Kokh, 2008: 69.
- 31- Brosius, 2010: 158.
- 32- Pirmia, 2007: 828.
- 33- Pirmia, 2007: 1200.
- 34- Brosius, 2010: 12.



پادشاه سلوکی بعد از مرگ همسر به نیابت از فرزندش (آنتیوخوس) به مدت ۴ سال اداره امور کشور را به دست گرفت.³⁴ در دوره اشکانی نیز فرهاد پنجم با مادرش حکومت میکرده و در سکه های ضرب شده از این دوره عکس مادر و فرزند با هم نقر شده اند.³⁵ همچنین در دوران ساسانی زنان بلند پایه ای چون پوران دخت و آذرمیدخت به مقام شاهی رسیدند.³⁶

از لحاظ حمایت قانونی نیز از حقوق زنان در ماتیکان هزار داتستان که حاوی بخشی از قوانین به جای مانده از دوره ساسانی است احکام و قوانین فراوانی مربوط به زنان وجود دارد که در مجموع نشان از ارزش و جایگاه زن در آن دوران دارد، برای مثال در این دوره، قانون، شوهر دادن زن را بر خلاف میل او منع می کرد³⁷ و نیز از حقوق مالکیت زن در برابر دست اندازای خودسرانه شوهر به دارایی او به شرطی که زن این حقوق را به صورت قانونی ثبت کرده باشد حمایت می نمود.³⁸ گناهایی که زن در صورت مرتکب شدن ممکن بود حقوق مالکیتش نقض گردد می بایست رسماً ثابت و تایید می گردید و زن حق داشت برای اثبات بی گناهی خود مستقلاً به دادگاه مراجعه نماید.³⁹ سهم زن از دارایی پدر که با خود به خانه شوهر می آورد و نیز اموالی که جهیز وی بشمار می رفت، متعلق به خود او بود و شوهر تنها حق استفاده از آن را داشته است.⁴⁰

در دوره ساسانی تمام ازدواج ها در دفاتر ثبت می گردید و در مورد برهم زدن ازدواج نیز مانند آیین ازدواج صدور گواهی طلاق (هیلشین نامک) برای رسمیت یافتن آن لازم بوده است.⁴¹ در یکی از سند های ازدواجی که امروزه به دست ما رسیده، داماد گذشته از آنکه ضمانت می کند با همسر خود برابر پایه و شانی که دارد رفتار کند و او را کدبانوی خانه خود بداند، خوراک و پوشاک او را فراهم سازد و فرزندان را که او به دنیا می آورد فرزندان و جانشینان خود بداند؛ متعهد می گردد که هر گاه بخواهد از همسر خود جدا شود کابین او را که ۳۰۰۰۰ درهم نقره است بپردازد.⁴² همچنین مطابق قانون هر یک از دو طرف می توانست در برهم زدن ازدواج پیشقدم شود اما هر دو طرف می بایست با آن موافقت کنند و فقط تحت شرایطی مانند نازا بودن زن و یا بواسطه دست آلودن زن به گناه (در صورت اثبات جرم)، مرد می توانست بدون رضایت زن از وی طلاق بگیرد.⁴³ در اسناد ازدواج به جای مانده از دوران هخامنشی نیز کم و بیش با چنین قوانینی سروکار داریم که به طور کلی، اسناد، متضمن حقوق و وظایف زن در زندگی زناشویی، جهیزه، شرایط اقتصادی و تعهدات شوهر نسبت به همسر در صورت جدایی از اوست.⁴⁴

موارد بیان شده به خوبی نشانگر جایگاه و مقام زن در ایران باستان است، این در حالیست که در تمدن های هم عصر، کمتر نظیر آن را می توان یافت. برای مثال می توان به جایگاه زن در یونان باستان (هم عصر هخامنشیان) اشاره نمود. در فرهنگ یونان باستان بردن نام زنان مشخص در ملا عام توهین به ایشان تلقی شده⁴⁵ و حضور آنها در جشن ها و مراسم نامناسب و موجب حقارت آنان می شده است.⁴⁶ شواهد به جای مانده از یونان باستان حاکی از آن است که زنان امکان شرکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی را نداشته اند تا آنجا که بیم آن داشتند که مردان تحت تاثیر زنان قرار گرفته و زن صفت گردند.⁴⁷ در فرهنگ یونان باستان زنان موجوداتی خود خواه و خود محور شمرده شده که تابع احساسات و هیجانات درونی بوده و زمینه ساز آشوب می باشند.⁴⁸ علاوه بر یونان در دربار مقدونی هم زنان حق حضور در بسیاری از مراسم و تشریفات درباری را نداشتند و برای نخستین بار اسکندر با الهام گرفتن از فرهنگ ایرانی این سنت قدیمی را شکسته و به زنان اجازه حضور در مراسم را می دهد.⁴⁹

۲- حقوق پزشکی زنان در ایران باستان

در این قسمت مبحث حقوق پزشکی و قوانین مرتبط با آن در ایران باستان در محورهای زیر بررسی می شود.

۲-۱- حقوق پزشکی و قوانین مرتبط با بارداری

حقوق پزشکی زنان در مورد مسائل مرتبط با بارداری همواره یکی از مهمترین مباحث پزشکی در جوامع مختلف بوده است. در ایران باستان نیز این موضوع دارای اهمیت بسیاری بوده است، لذا در این بحث، ابتدا به بررسی حقوق پزشکی

- 35- Brosius, 2010: 12, 179.
- 36- Brosius, 2010: 17-19, 206.
- 37- Frye et al, 2010: 34.
- 38- Frye et al, 2010: 34.
- 39- Frye et al, 2010: 35.
- 40- Frye et al, 2010: 35.
- 41- Frye et al, 2010: 33.
- 42- Frye et al, 2010: 33.
- 43- Frye et al, 2010: 35.
- 44- Brosius, 2010: 89.
- 45- Brosius, 2010: 37.
- 46- Brosius, 2010: 102.
- 47- Brosius, 2010: 102.
- 48- Brosius, 2010: 154.
- 49- Brosius, 2010: 154.



که از طرف حکومت برای مادر هدیه ای با عنوان پیشکش شاهانه در نظر گرفته شده بود و شامل جیره غذایی ویژه ای برای مدت پنج ماه بوده است.⁶²

۲-۱-۴- قوانین حمایتی مادر و کودک

حمایت از مادر و کودک بعد از تولد نیز بسیار مورد توجه بوده، چنانکه مسئولیت نگهداری از زن بعد از تولد کودک بر عهده پدر کودک بوده و در صورت عدم سرپرستی وی به هر علت، تا هفت سالگی مسئولیت نگهداری و تامین مخارج مادر و کودک بر عهده همسایه و یا فردی به شمار می رفته که به مادر در زمان تولد کودک کمک کرده است.⁶³

از موارد دیگری که نشان دهنده اوج و نقطه قوت حقوق زنان در ایران باستان است، مسئله مرخصی زایمان می باشد که بواسطه آن مادر تا پنج ماه بعد از تولد کودک از کار کردن معاف بوده و در طی این مدت حقوق دریافت می کرده که البته کمتر از حالت عادی بوده است، ولی با این وجود میزان آن به حدی وضع می شده که گذران زندگی با آن ممکن باشد.⁶⁴ علاوه بر آن، حقوقی نیز به صورت جیره غذایی به مادر تعلق می گرفت که مقدار آن بسته به جنسیت نوزاد داشته است.⁶⁵ در کنار این موارد به همسر زن زائو در طول دوره ای که در مرخصی زایمان قرار داشته، کار بیشتری ارجاع می شده است، تا به واسطه آن، مخارج خانواده تامین گردد.⁶⁶

زنان، بعد از تمام شدن مرخصی زایمان نیز امکان انتخاب کار نیمه وقت را داشته اند تا بدین وسیله قادر به برآوردن وظایف پرورشی خود در خانه باشند.⁶⁷ همچنین سیستم حکومتی در دوره هخامنشی برای مراقبت کودکان در زمانی که مادران سر کار می رفتند تمهیداتی اندیشیده بوده است، بدین گونه که اطفال در طول زمان کار مادران، توسط دایه ها و پرستارانی که وظیفه آن ها مراقبت از کودکان بوده نگهداری می شدند، تا مادر بتواند به انجام امور محوله بپردازد.⁶⁸

۲-۱-۵- سقط جنین

سقط جنین امروزه یکی از چالش برانگیزترین مسائل حقوق پزشکی و از جمله مواردی است که جوامع مختلف در مورد حقوق پزشکی آن اتفاق نظر نداشته و به تبع آن هر جامعه قوانین مختص به خود را وضع و اجرا کرده است. بررسی دیدگاه مردمان در گذر تاریخ و بررسی تجارب ناشی از آن ممکن است در مشخص نمودن سیر تکوین حقوق پزشکی کمک کننده باشد، بنابراین در این بخش به بررسی دیدگاه و قوانین مربوط به سقط جنین در ایران باستان می پردازیم.

با بررسی متون و شواهد بدست آمده از آن دوران مشخص می گردد ایرانیان باستان داروهای سقط جنین و روش استفاده از آن ها را می شناختند. به برخی از داروهای سقط جنین در ونیداد (فرگرد ۱۵ بند ۱۳ و ۱۴) اشاره شده که شامل بنگ (شاهدانه)، شت (به معنی طلا یا احتمالاً گیاه و یا مایع زرد رنگ⁶⁹)، غنانه (به معنی چیزی که می کشد⁷⁰) و فرسپاته (به معنی چیزی که میوه را می پژمرد⁷¹) می باشد.⁷²

با این وجود ایرانیان باستان سقط جنین را به شدت مذموم و نکوهیده دانسته و آن را قطع ریشه زندگی و قطع بزرگترین نعمت خدا محسوب می کردند⁷³ و بنابراین مجازات اقدام به سقط جنین همان مجازات قتل عمد محسوب گشته و از طرف پزشکان و موبدان توامان با آن مبارزه شده است.⁷⁴ به نظر می رسد برای جلوگیری از آن نیز تمهیداتی اندیشیده شده بود که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می گردد:

الف- در نظر گرفتن مجازات سنگین برای عاملان آن: مطابق قوانین اوستا مجازات اقدام به سقط جنین همان مجازات قتل عمد محسوب شده و حکم آن اعدام بوده است و این حکم تنها اختصاص به مادر نداشته و شامل تمام کسانی می شده که در این پروسه نقش داشته اند⁷⁵، چنانچه در بند ۱۳ و ۱۴ از فرگرد پانزده از کتاب ونیداد آمده است:

"اگر مردی با دختر دوشیزه یا بانویی جوان، خواه آن دختر یا بانو وابسته به سالار خانواده باشد یا نه، خواه به شوهر داده شده باشد یا نه، همخوابگی کند و آن دختر یا بانو از او آبستن شود و بگوید: تو مرا آبستن کردی و مرد پاسخ دهد به جستجوی پیرزنی برآی و از او بخواه دشتک تو را ببندازد و زن نزد پیرزن برود

- 63- Dolatkah, 1992: 839.
- 64- Kokh, 2008: 65.
- 65- Kokh, 2008: 269.
- 66- Kokh, 2008: 65.
- 67- Kokh, 2008: 69.
- 68- Kokh, 2008: 65.
- 69- Elgood, 1992: 24.
- 70- Elgood, 1992: 24.
- 71- Elgood, 1992: 24.
- 72- Dolatkah, 1992: 828.
- 73- Elgood, 1992: 24.
- 74- Elgood, 1992: 24.
- 75- Dolatkah, 1992: 828.
- 76- Dolatkah, 1992: 828.



و از او بخواهد که دشتک را بیاندازد و پیرزن بنگ یا شمت یا غنان یا فرسپات یا داروهای دیگر که دشتک را می اندازد بدو بدهد و مرد بگوید: میوه زندگی خود را دور بینداز و او میوه زندگی خود را دور بیندازد، گناه این کار به یکسان بر گردن سه تن است: مرد، زن، پیرزن⁷⁶

بنابراین وجود مجازات های سنگین برای عاملان آن سبب کاهش انگیزه برای اقدام به سقط می شده است.

ب- یکی از عواملی که ممکن است سبب پیدایش انگیزه سقط جنین گردد، سختی ها و مشکلاتی است که ممکن است برای زن باردار به دنبال بارداری و تولد نوزاد ایجاد شود، برای به حداقل رساندن این مشکل در ایران باستان قوانین حمایتی برای این موضوع وضع شده بود که پیشتر ذکر آن رفت.

ج- در مواردی که زنان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته و به واسطه آن باردار شده بودند نیز در دین زرتشت تدابیری اندیشیده شده که بواسطه آن دختران مجبور نگردند کودک خود را سقط کنند. در این مواقع مرد فریبده باید اعضا خانواده زن را جمع کرده و ماجرا را برای آنان توضیح دهد و با اظهار پشیمانی، مسئولیت کودک را بر عهده گیرد. در این موارد خانواده باید از شتمات و سرزنش زن دست کشیده و مانع از سقط جنین شوند و اگر فرد فریبده این عمل را انجام نمیداد و به واسطه آن برای جنین مشکلی پیش می آمد بشدت مجازات می گردید.⁷⁷

۲-۲- بی اخلاقی های جنسی و مجازات های مرتبط با آن

یکی از معضلات امروز بشر بحث بی اخلاقی های جنسی است، به طور کلی نحوه نگرش مردم به این مسئله در تمدن های مختلف بشری می تواند نشان دهنده جایگاه اخلاقیات و کرامت بشری در آن جامعه باشد.

۲-۲-۱- مذموم بودن و نکوهیده بودن روسپیگری و همجنس بازی در ایران باستان

روسپیگری در ایران باستان امری به شدت نکوهیده بوده و به تبع آن، مجازات بسیار شدید داشته است. برای نمونه در اوستا آمده است که "هر زنی در یک روز تن خود را به دو مرد می سپارد کشتی تر از گرگ یا شیر یا مار است. کسی که چنین زنی را بکشد چنان ثوابی بدست می آورد که با فراهم آوردن هیزم برای هزار آتشکده و یا ویران کردن هزار کنام مار گرزه یا دیگر ماران کژدم و شیر و گرگ می توان بدست آورد."⁷⁸ از نکات بسیار مهم در این رابطه آنست که تنها به صرف زدن تهمت به زن نمی توان او را مجازات کرد بلکه باید زنی که مورد اتهام است در محکمه ای که قاضی آن حتما متاهل بوده محاکمه شود و در صورت احراز جرم، مجازات گردد.⁷⁹ همجنس بازی نیز در آن دوران بسیار نکوهیده بوده، بطوریکه در دین زرتشت نهمین گناهی که توسط اهریمن آفریده شد همجنس بازی است⁸⁰ و مجازات آن نیز اعدام تعیین شده است.⁸¹ این در حالیست که در همین زمان وجود زنان اشتراکی در بسیاری از تمدن های هم عصر مانند سکاها، ماساژت ها و لیبیایی ها وجود داشته⁸² و یا در آتن فاحشگی را به رسمیت شناخته و از هر کس که بدان کار مشغول بوده مالیات می گرفتند⁸³، همجنس بازی نیز در یونان و در اسپارت تا به آن حد رواج داشته که آلكمان در وقت خوش آمد گفتن به چند تن از دختران، آنان را زیبا پسران مونث می خواند.⁸⁴ این قبیل موضوعات در تمدن های بین النهرین نیز مشاهده می شود، چنانکه در بابل هر زن بومی می بایست یک بار در مدت عمر خود در معبد "می لت" تن خود را در معرض هر مردی که به وی سکه ای می داده قرار می داده و تا قبل از آن اجازه خروج از معبد را نداشته است.⁸⁵

۲-۲-۲- حقوق مرتبط با سوء استفاده جنسی از زنان

سوء استفاده از زنان در ایران باستان امری نکوهیده به شمار می آمده و مطابق اوستا بیشترین چیزی که اهورامزدا را ناراحت می کند و از جمله گناهانی که مجازات اخروی آن بخشیده نمی شود فریب دادن دختر جوان شوی ناگزیده و کامجویی از اوست.⁸⁶ بنابراین در ایران باستان قوانین شدیدی در رابطه با آن وضع گردیده بود، برای نمونه می توان به محکومیت استاسپس (پسر یکی از بستگان

- 77- Dolatkah, 1992: 827.
78- Dolatkah, 1992: 857.
79- Shahrzadi, 2007: 72.
80- Dolatkah, 1992: 661.
81- Dolatkah, 1992: 751, 762.
82- Pirmia, 2007: 405, 842.
83- Durant, 1999 (vol. 2): 332.
84- Durant, 1999 (vol. 2): 334.
85- Pirmia, 2007: 380.
86- Pirmia, 2007: 478.
87- Brosius, 2010: 118.



خشایارشا) به مرگ به اتهام تجاوز به دختر یکی از بزرگان دربار اشاره نمود.⁸⁷ البته همانطور که قبلاً ذکر شد در این موارد در صورت باردار شدن زن، تدابیری برای جلوگیری از سقط جنین و حفظ حیات کودک اندیشیده شده بود.

۲-۲-۳- قوانین مرتبط با بی اخلاقی های جنسی پزشکان

در ایران باستان به منظور پیشگیری از بی اخلاقی های پزشکی مجازات های سختی وضع گردیده بود که نشان از جایگاه والای حقوق پزشکی در آن دوران دارد. از مثال هایی که در این زمینه وجود دارد ماجرای آپولونیدس، طبیب اهل کوس است که از پزشکان نامور در دربار هخامنشیان به شمار می رفته است؛ این طبیب به خاطر علاقه ای که به آمی تیس یکی از شاهزادگان هخامنشی داشته، زمانیکه این بانو بعلت ناراحتی زهدان به او مراجعه می کند، با آگاهی از بیماری، برای درمان وی نزدیکی با مردان را تجویز میکند که پس از بدتر شدن حال بیمار و اثبات جرم پزشک، او را اعدام نمودند.⁸⁸

۲-۳- بیماری ها و مسائل زنان

حقوق پزشکی زنان در رابطه با بیماری ها در دو حیطه قابل بررسی هستند، از یک سو حقوق پزشکی مرتبط با بیماری هایی که جنبه عمومی داشته و زن و مرد هر دو بدان مبتلا می گردند، که در این موارد به نظر می رسد تفاوتی بین حقوق پزشکی زن و مرد وجود نداشته است؛ از سوی دیگر حقوق پزشکی مرتبط با بیماری های اختصاصی زنان و مسائل زنان است که در این پژوهش به بررسی بخشی از آن پرداخته می شود.

۲-۳-۱- قوانین مرتبط با زنانی که جنین خود را سقط می کردند

قوانین مرتبط با زنی که جنین خود را سقط کرده نیز به همین میزان سخت گیرانه بوده و ایرانیان باستان بین سقط خودبخودی و سقط اختیاری تفاوتی قائل نمی شدند.⁸⁹ زنی که بچه اش سقط می شده مانند زن دشتان ناپاک شمرده شده و باید در دشتانستان محبوس می گردید و نخستین خوراکش نیرنگ (گمیز) و خاکستر آتش بوده و تا ۴ روز اجازه نداشته آب بنوشد. در این مدت غذای زن گوشت و نان و شراب بوده و بعد از آن باید آیین مذهبی به نام برشوم انجام می شده تا بتواند دوباره به زندگی عادی خود بپردازد.⁹⁰

نکته مهمی که از منظر پزشکی حائز اهمیت می باشد این است که اگر زن در طول این مدت تب می نمود و یا به علت نخوردن آب دچار سختی و بیماری می شد از آنجاییکه حفظ سلامت زن از همه چیز واجب تر بوده، به او آب داده⁹¹ و اقدام به درمان وی می نمودند و محدودیت های آیینی از وی برداشته می شده است.

۲-۳-۲- بیماری های مقاربتی

مردمان باستان بیماری های مقاربتی مانند اناری⁹²، آزردهگی زهدان⁹³، جهاز تناسلی⁹⁴ و غیره را شناخته و برای آن ها درمان هایی در نظر گرفته بودند، البته این مهم در بعضی از تمدن های دیگر به عنوان اسلحه ای برای نابودی دشمنان استفاده شده است. برای مثال می توان به زنی که تن وی از کودکی به واسطه سموم آلوده شده اشاره نمود که هندی ها به عنوان هدیه برای اسکندر می فرستند تا بدین حربه او را هلاک کنند، اما اسکندر توسط ارسطو از این موضوع با خبر شده و از این تله نجات می یابد.⁹⁵

۳- حقوق پزشکی و حریم زنان

شواهد بسیاری حاکی از وجود نوعی حریم در ایران باستان در مورد زنان است که نمونه ی این حریم به شکل متکامل تر و پیشرفته تر در قالب حجاب در دین اسلام دیده می شود. از نشانه های وجود حریم در ایران باستان می توان به صحبت های یونانیان باستان مانند هرودوت و پلوتارک در مورد حرمسراها و نحوه انتقال ملکه های هخامنشی⁹⁶ اشاره کرد. تندیس های زن به جای مانده از دوران هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اندرزهای آذرباد مهرسپندان به زنان در مورد لزوم حفظ پوشش همگی بیانگر وجود نوعی حریم در آن دوران است.

- 88- Photius, 2001: 88.
- 89- Dolatkhah, 1992: 741.
- 90- Dolatkhah, 1992: 741.
- 91- Dolatkhah, 1992: 741.
- 92- Herodotus, 2001: 62.
- 93- Photius, 2001: 88.
- 94- Herodotus, 2001: 252.
- 95- Elgood, 1992: 49.
- 96- Brosius, 2010: 101.
- 97- Gershevitch, 2006: 43.
- 98- Herodotus, 2001: 243.
- 99- Photius, 2001: 88.
- 100- Tajbakhsh, 2000: 14, 15.



۳-۱- جایگاه پزشکی و حریم زنان

بر اساس شواهد موجود به نظر می رسد با وجود لزوم حفظ حریم در مورد زنان، در صورت بروز بیماری و نیاز به پزشکی، این حریم ها نادیده گرفته شده و پزشکی به عنوان محرم می توانسته در صورت نیاز به خصوصی ترین حریم ها نیز وارد شود، برای مثال تنها پزشکان حق ورود به حرمسراها را داشتند⁹⁷، و چنانکه در تاریخ ثبت شده، دمل چرکی سینه آتوسا، دختر کورش کبیر توسط پزشک یونانی به نام دموکدس جراحی و درمان می شود.⁹⁸ ولی باید یاد آور شد که برای پیشگیری از بی اخلاقی های جنسی که ممکن بود در بعضی موارد از طرف پزشکان مشاهده شود قوانین سختگیرانه ای وجود داشته که پیشتر به آن اشاره شد.⁹⁹

۳-۲- حفظ حریم زنان در بیمارستان های ایران باستان

مطابق کتاب دبستان مذاهب، در ایران باستان بیمارستان های زنان و مردان از هم جدا بوده و برای درمان زنان از پزشکان زن استفاده می شده است.¹⁰⁰ وجود این چنین بیمارستان هایی خود بیانگر اوج احترام به حقوق زنان است که در تمامی دنیای آن روز کم نظیر و شاید بی نظیر بوده است.

نتیجه گیری

با توجه به عدم دسترسی امروزی به منابع پزشکی ایران باستان اظهار نظر جامع در مورد حقوق پزشکی زنان و قوانین مرتبط با آن غیرممکن می نماید. با این وجود بررسی متون غیر پزشکی و شواهد باستان شناسی به جای مانده از آن دوران حاکی از وجود ساختاری نظام مند پیرامون حقوق پزشکی زنان می باشد که در این ساختار ابعاد گوناگون مسائل پزشکی زنان مانند بارداری، بیماری های زنان، سقط جنین مورد توجه قرار گرفته و در مورد آن قوانینی وضع گردیده است. تدوین قوانین پزشکی مرتبط با زنان در ایران باستان مبین وجود ساختار و نظام پزشکی منظم در آن دوران است، که این موضوع ناشی از وجود دانش و سیستم پزشکی منسجم در آن جامعه می باشد. اشاره به مواردی از قبیل مرخصی زایمان و اقدامات پیشگیرانه برای سقط جنین و یا حقوق مرتبط با مادران در طول دوره بارداری و دیگر مواردی که در دیگر تمدن های باستان کمتر مورد توجه قرار گرفته اند، حاکی از آن است که از یک سو تمدن ایران، اخلاق محور بوده و زن در این تمدن ارزش و جایگاه والایی داشته است و از سوی دیگر در مقایسه با تمدن های هم عصر باستانی از بسیاری جهان پیشرفته تر می باشد.

References

- Aristotle. *Politics*. Translated by Rockham H. Cambridge: Harvard university press; 1959.
- Asha R. *Ādarbād i Mahraspandān*. Tehran: Forouhar; 2000. [in Persian]
- Ashby M. *Oxford elementary learner's dictionary*. Translated by Javid P, Dehdashti S. Tehran: Gooyesh 'e no; 2007. [in Persian]
- Bahar M. *Tarjomeh 'e Chand Matne Pahlavi*. Tehran: The Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2000. [in Persian]
- Biruni A. *Asar Al Baghieh*. Translated by Danaseresht A. Tehran: Avicenna; 2011. [in Persian]
- Brosius M. *Women in Ancient Persia*. Translated by Tolui M. Tehran: Tehran; 2010. [in Persian]
- Carrick P. *Medical ethics in the ancient world*. Washington: Georgetown University Press; 2001.
- Dadegi F. *Bundahish*. Translated by Bahar M. Tehran: Tous; 1999. [in Persian]
- Dolatkhan J. *Avesta Kohantarin 'e Soroodha va Matnhaye Irani*. Teh-



- ran: Morvarid; 1992. [in Persian]
- Durant WJ. *The Story of Civilization*. (Vol. 1): Our Oriental Heritage. Translated by Aryanpour AH. Tehran: Elmi Farhangi; 1999. [in Persian]
- Durant WJ. *The Story of Civilization*. (Vol. 2): The Life of Greece. Translated by Aryanpour AH. Tehran: Elmi Farhangi; 1999. [in Persian]
- Elgood S. *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate*. Translated by Forghani B. Tehran: Amirkabir; 1992. [in Persian]
- Esmailpour A. *Naghshe Ejtemai'e Zan dar Iran'e Bastan va Mianeh*. Tehran: Ettelaat; 2006. [in Persian]
- Frye RN, Lang DM, Bikerman E, et al. *The Cambridge History of Iran*. (Vol. 3): The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods. Translated by Yarshater E, Anousheh H. Tehran: Amirkabir; 2010. [in Persian]
- Gershevitch I. *The Cambridge History of Iran*. (Vol. 2): The Median and Achaemenian periods. Translated by Sagheb Far M. Tehran: Amirkabir; 2006. [in Persian]
- Herodotus. *The Histories*. Translated by Mazandarani V. Tehran: Afra-syab; 2001. [in Persian]
- Hinsch B. *Women in Early Imperial China*. 2nd edition. Maryland: Rowman & Littlefield Publishers; 2010.
- Jeffrey HR. *Abortion and the ways we value human life*. Oxford: Rowman & Littlefield; 1999.
- King LW. *The code of Hammurabi*. Montana: Kessinger publishing; 2004.
- Kokh HM. *Quoting Dariush*. Translated by Rajabi P. Tehran: Karang; 2008. [in Persian]
- Moin M. *Farhang-e Fārsī*. Vol. 2. Tehran: Amirkabir; 1992. [in Persian]
- Photius. *Résumés of Ctesias' books*. Translated by Khalili K. Tehran: Karang; 2001. [in Persian]
- Pirnia H. *Tarikh'e Iran'e Bastan*. Tehran: Negah; 2007. [in Persian]
- Plato. *The republic*. Edited by Parker PM. San Diego: ICON group International; 2005.
- Shahzadi R. *Ghanun'e Madani'e Zartoshtian dar Zaman'e Sasanian*. Tehran: Forouhar; 2007. [in Persian]
- Tajbakhsh H. *The history of the Iranian hospitals: from ancient times to the present era*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies; 2000. [in Persian]
- Vern LB. *Encyclopedia of birth control*. California: ABC-CLIO; 2001.
- Zadsparm. *Selections of Zadsparm*. Translated by Rashed mohassel MT. Tehran: Motaleat'e farhangi; 2007. [in Persian]





A woman's relief in the ancient Iran, "Parisho" relief, Kazeroon city,
Fars province

WWW.RHM.IR